



کسانی از شیعیان ما که پرداخت زکوة می کنند، رفع بلا می کند از آنها که زکوة نمی پردازند؛ و اگر همگی به ترك دادن زکوة دست زنند نابود می شوند. و نیز خداوند به خاطر آنها که به زیارت خانه خدا می روند، از کسانی که حج نمی گذارند بلا را دفع می کند؛ و اگر همگی به ترك حج اقدام کنند تباه می شوند. و این است فرموده خداوند عزوجل: «و اگر نبود دفع کردن خداوند مردم را برخیشان را به بعضی، هر آینه زمین تباه می شد. در پایان حدیث دیگری به همین مضمون وارد که: قسم به خدا این آیه نزول نیافته مگر درباره شما؛ و غیر شما به آن اراده نشده است.<sup>۱</sup>»

شاید بتوان گفت که مراد از عبادت اخیر این که تنها شیعه است که در راه و طریق حق قرار گرفته و دیگران به راه باطلی می روند که خواه نخواه هلاک و نابود شده هستند و این شیعه است که اتیان وظایف جمعی از آنان مانع ورود بلا و هلاکت به برخی دیگر می شود.

\*\*\*

﴿تلك الرّسل فضلنا بعضهم على بعض منهم من كَلّم الله ورفع بعضهم درجات وآتينا عيسى ابن مريم البينات وأيدناه بروح القدس ولو شاء الله ما اقتتل الذين من بعدهم من بعد ما جاءتهم البينات ولكن اختلفوا فمنهم من آمن ومنهم من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا ولكن الله يفعل ما يريد﴾ (۲۵۳).

این فرستادگان برخیشان را بر پاره ای برتری دادیم؛ از آنان کسی است که خدا با او سخن گفته و بر خیشان را پایه ها و مقاماتی بالا برده و ما به عیسی پسر مریم معجزات و نشانه های روشن عطا کردیم و او را به روانی پاک [روح القدس] نیرو بخشیدیم و اگر خدای خواست آنها که بعد از ایشان بودند، پس از آن که آنان را دلائل روشن بیاید جنگ و ستیز نمی کردند ولیکن به اختلاف و درگیری دامن زدند. پس، از ایشان کسی

۱. محمد بن یعقوب: عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن علي بن معبد، عن عبد الله بن القاسم، عن يونس بن ظبيان، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: إن الله ليدفع بمن يصلي من شيعتنا عن لا يصلي من شيعتنا، ولو اجتمعوا على ترك الصلاة لهلكوا. وإن الله ليدفع بمن يزكي من شيعتنا عن لا يزكي، ولو اجتمعوا على ترك الزكاة لهلكوا. وإن الله ليدفع بمن يحج من شيعتنا عن لا يحج، ولو اجتمعوا على ترك الحج لهلكوا وهو قول الله عز وجل: ﴿و لو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض ولكن الله ذو فضل على العالمين﴾ فو الله ما نزلت إلا فيكم، ولا عنى بها غيركم». تفسير القمی، ج ۱، ص ۸۳-۸۴؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۵۱، باب إن الله يدفع بالعامل ... ح ۱.



که به گروید و از آنان کس است که ناگروید. و اگر خدا می خواست به نبرد و کشتار دست نمی زدند ولیکن خداوند آنچه می خواهد انجام می دهد.

﴿يا ايها الذين آمنوا انفقوا مما رزقناكم من قبل ان ياتي يوم لا بيع فيه ولا خلة ولا شفاعة والكافرون هم الظالمون﴾ (۲۵۴).

ای کسانی که ایمان آورده اید، پیش از آمدن روزی که در آن نه داد و ستد است و نه دوستی و وساطت، از آنچه شما را روزی کرده ایم انفاق کنید. و کافران هم ایشان مردمانی ستمگرند.

### [اشاره به ظرفیت ذاتی متفاوت پیامبران]

در آیه قبل سخن از رسولان و حقانیت رسول اکرم به میان آمد. رسولانی که از آغاز آفرینش انسان با سمت خلیفه الهی مأمور بودند تا برنامه های خدائی را در جمیع شئون حیاتی، فردی و اجتماعی، در طول زمان به ساکنین کره خاک ابلاغ نموده و همگان را براه حق دعوت و به سعادت دو جهان رهبری و ارشاد کنند.

بدیهی است این فرستادگان خود نیز، در پیشگاه خداوند بر حسب نوع وظیفه و شعاع مأموریت و عمل و میزان کوشش و تلاش در راه حق و حالت تسلیم و رضا و تحمل ناملازمات و رنج ها و استواری و پایداری در تحقق و پیاده کردن برنامه های الهی، که مستلزم انواع گذشت و بردباری و حسن خلق و مدارا با مردم و گاه جنگ و ستیز با منافق و کافر است واجد مقامات و درجاتی ویژه بوده اند و اگر چه همگی در يك خطه و مسیر گامی سپرده اند و برای يك هدف و غرض، که همان بیداری فطرت و یکتا پرستی و فرمانبری از دستور خالق و «مالك الملوك» جهان هم خود بکار می بسته اند، ولی میزان مسئولیت و محیط کار و دامنه تبلیغ و سنگینی نوع بار رسالت و وظیفه ای را که به دوش داشته اند، متفاوت و گوناگون بوده به نحوی که هر کدام در طی طریق، آزارها و صدمات فراوان و گوناگون جسماً و روحاً دیده و در برابر آزمونهای الهی نیز، به درجات متفاوت بوده اند و در نتیجه هر يك را در پیشگاه الهی مقام و منزلتی است و از حیث رتبه و درجه کمال و قرب، موقعیت و شأنی.



که به گروید و از آنان کس است که ناگروید. و اگر خدا می‌خواست به نبرد و کشتار دست نمی‌زدند ولیکن خداوند آنچه می‌خواهد انجام می‌دهد.

﴿يا أيها الذين آمنوا أنفقوا مما رزقناكم من قبل أن يأتي يوم لا بيع فيه ولا خلة ولا شفاعة والكافرون هم الظالمون﴾ (۲۵۴).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیش از آمدن روزی که در آن نه داد و ستد است و نه دوستی و وساطت، از آنچه شما را روزی کرده ایم انفاق کنید. و کافران هم ایشان مردمانی ستمگرند.

### [اشاره به ظرفیت ذاتی متفاوت پیامبران]

در آیه قبل سخن از رسولان و حقانیت رسول اکرم به میان آمد. رسولانی که از آغاز آفرینش انسان با سمت خلیفه الهی مأمور بودند تا برنامه‌های خدائی را در جمیع شئون حیاتی، فردی و اجتماعی، در طول زمان به ساکنین کره خاک ابلاغ نموده و همگان را براه حق دعوت و به سعادت دو جهان رهبری و ارشاد کنند.

بدیهی است این فرستادگان خود نیز، در پیشگاه خداوند بر حسب نوع وظیفه و شعاع مأموریت و عمل و میزان کوشش و تلاش در راه حق و حالت تسلیم و رضا و تحمل ناملازمات و رنج‌ها و استواری و پایداری در تحقق و پیاده کردن برنامه‌های الهی، که مستلزم انواع گذشت و بردباری و حسن خلق و مدارا با مردم و گاه جنگ و ستیز با منافق و کافر است واجد مقامات و درجاتی ویژه بوده‌اند و اگر چه همگی در يك خطّه و مسیر گامی سپرده‌اند و برای يك هدف و غرض، که همان بیداری فطرت و یکتا پرستی و فرمانبری از دستور خالق و «مالك الملوك» جهان هم خود بکار می‌بسته‌اند، ولی میزان مسئولیت و محیط کار و دامنه تبلیغ و سنگینی نوع بار رسالت و وظیفه‌ای را که به دوش داشته‌اند، متفاوت و گوناگون بوده به نحوی که هر کدام در طی طریق، آزارها و صدمات فراوان و گوناگون جسماً و روحاً دیده و در برابر آزمونه‌های الهی نیز، به درجات متفاوت بوده‌اند و در نتیجه هر يك را در پیشگاه الهی مقام و منزلتی است و از حیث رتبه و درجه کمال و قرب، موقعیت و شأنی.



به خاطر باید داشت که نبی اکرم خاتم پیامبران «سیدالکونین» که به حق اشرف تمام انبیاء است دامنه رسالتش از همه گسترده تر و شعاع تبلیغش به سراسر گیتی و تا روز رستاخیز پرتو افکن بوده و در راه رساندن امر سنگین رسالت تا به آنجا تلاش و کوشش کرد و در برابر رنجها و مشکلات از خود مقاومت نشان داد و برای نیل به مقصود آن قدر صدمه و آزار دید، که خود فرمود: «ما أُوذِيَ نَبِيٌّ بِمِثْلِ مَا أُوْذِيَ»<sup>۱</sup>. آری هر که در این راه مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند. و لذا تفویض این منصب و مقام از جانب باری، جزاف و بدون حکمت نبوده است. و اینک فرمود:

﴿تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض﴾ (۲۵۳).

این فرستادگان، برخیشان را بر برخی برتری دادیم. و در بیان این تفصیل مصداقاً فرمود:

﴿منهم من كلم الله﴾

بعضی از این رسولان کسی است که خدا با او سخن گفت. مانند: حضرت موسی در طور و نبی اکرم در معراج؛ اما میان این دو باز تفاوتها است. چه نسبت تکلم در زمین، با گفتگوی و سخن در سدره المنتهی فاصله ای از فرش تا به عرش و از ثری تا به ثریا است. چنان که تأییداً فرمود:

﴿ورفع بعضهم درجات﴾

و برخی از ایشان را به مقامات و مراتبی بالا برد و رفعت پایه و درجه بخشید. اگر چه هر دو مهبط و حی و جلوه گاه خدائی و مکان قرب و منزلت است. اما یکی در طور سینا فرمان می دهد و دیگری به جائی که جبرئیلش در میان راه، ندا در داد: «لو دنوت ائمة لا احترقت»<sup>۲</sup> و خدایش در جای دگر فرمود:

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۵۶، ح ۱۵.

۲. ابن عباس فی خبر: «وهبط مع جبرئیل ملک لم یطأ الأرض قط، معه مفاتیح خزائن الأرض، فقال: یا محمد إن ربك یقرئك السلام ویقول هذه مفاتیح خزائن الأرض فإن شئت فكن نبیا عبدا وإن شئت فكن نبیا ملكا، فقال: بل أكون نبیا عبدا...»

ثم دخل الجنة ورأى ما فيها، وسمع صوتا: آمنا برب العالمین، قال: هؤلاء سحرة فرعون، وسمع لبيك اللهم لبيك، قال: هؤلاء الحجاج، وسمع التكبير قال: هؤلاء الغزاة، وسمع التسييح قال: هؤلاء الأنبياء، فلما بلغ إلى سدره المنتهی فانتهی إلى الحجب فقال جبرئیل: تقدم یا رسول الله، ليس لي أن أجوز هذا المكان، ولو دنوت ائمة لا احترقت». بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۳۸۲، ح ۸۶.



﴿وهو بالافق الأعلى﴾ ثم دنا فتدلى ﴿فكان قاب قوسين أو أدنى﴾ فأوحى إلى عبده ما أوحى ﴿(نجم ۵۳): (۷۱۰)﴾ .

و او در بالاترین کرانه [قرب] بود، آن گاه نزدیک شد، سپس نزدیکتر گشت به اندازه دو سر کمان یا نزدیکتر [که کنایه از شدت قرب به درگاه الهی است]. و نیز اضافه فرمود که:

﴿... ما زاغ البصر وما طغى﴾ لقد رأى من آیات ربّه الكبرى ﴿(نجم ۵۳): (۱۷-۱۸)﴾

در آنجا... دیده انحراف نیافت و سر برنتافت و هر آینه تحقیقاً از آیات و نشانه های بزرگ خدایش مشاهده کرد. پیدا است مقام این طور کجا و آن طور که خطاب رسید:

﴿إني أنا ربك﴾ فاخلع نعليك إنك بالواد المقدس طوى ﴿(طه ۲۰): (۱۲)﴾ .

و در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود:

خداوند آفریده ای برتر و شایسته تر از من نیافرید. علی علیه السلام عرضه داشت ای رسول خدا آیا تو برتری یا جبرئیل، فرمود: همانا خدای تعالی همه پیامبران و فرستادگان را بر فرشتگان مقرب درگاه، فضیلت بخشیده و مرا بر جمیع آنان برتری داده؛ یا علی پس از من [این فضیلت] درباره تو و پیشوایان پس از تو است و فرشتگان خدمتگذار ما و دوستان ما هستند.<sup>۱</sup>

باید دانست که در این مفهوم و معنا روایات از حدّ تواتر بیشتر است. ولی افسوس که نابخردان و جاه طلبان با گول و نیرنگ و نفاق و ستیز، سامری وار مردم را از مسیر حق منحرف و غاصب مقام خلافت و ولایت پس از نبی اکرم شدند؛ و آن کس که خود می گفت: «اقیلونی اقیلونی و لست بخیرکم و یا لست بخیر و علیّ فیکم»<sup>۲</sup> کرسی

۱. حدثنا الحسن بن محمد بن سعید الهاشمي الكوفي بالكوفة سنة أربع وخمسين وثلاثمائة قال: حدثنا فرات بن إبراهيم بن فرات الكوفي قال: حدثنا محمد بن أحمد بن علي الهمداني قال: حدثني أبو الفضل العباس عبد الله البخاري قال: حدثنا محمد بن القاسم بن إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن القاسم بن محمد بن أبي بكر قال: حدثنا عبد السلام بن صالح الهروي عن علي بن موسى الرضا عن أبيه موسى بن جعفر عن أبيه جعفر بن محمد عن أبيه محمد بن علي عن أبيه علي بن الحسين بن علي عن أبيه علي بن أبي طالب عليه السلام قال: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ما خلق الله خلقاً أفضل مني ولا أكرم عليه مني قال: علي عليه السلام: فقلت: يا رسول الله فأنت أفضل أم جبرئيل؟ فقال: صلى الله عليه وآله يا علي أن الله تبارك وتعالى فضل أنبيائه المرسلين علي ملائكته المقربين وفضلني علي جميع النبيين والمرسلين والفضل بعدي لك يا علي وللأمة من بعدك وإن الملائكة لخدامنا وخدام محبينا». والحديث طويل، أخذت منه موضع الحاجة. عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۲، باب ۲۶.

۲. قال الصادق عليه السلام: «فأفحم أبو بكر علي المنبر حتى لم يجر جواباً، ثم قال: وليتكم ولست بخيركم أقیلونی اقیلونی، فقال له عمر بن الخطاب: انزل عنها يا لکع إذا كنت لا تقوم بحجج قريش لم أقمت نفسك هذا المقام؟ والله لقد هممت أن أخلعك واجعلها في سالم مولی أبي حذيفة». الاحتجاج، ج ۱، ص ۷۹.